

قطب هجدهم

حضرت میرشاه حبیب الدین

محبّ الله اوّل

السَّالِكُ الْأَكْمَلُ وَالْعَالِمُ الْأَجَلُّ، جناب میرشاه حبیب الدین محبّ الله اوّل. وی چهارمین فرزند شاه خلیل الله بن شاه نعمت الله و جانشین و خلیفه پدر بزرگوارش می‌باشد. اولین دفعه که پس از تولّد، وی را خدمت جدّش شاه نعمت الله بردند درباره اش فرمود:

محبّ الله من ای نور دیده خلیل الله را مهمان رسیده

به سی سال وسی ماه و به سی روز بماند او به اخلاق حمیده

جنابش چنانکه در حالات پدر بزرگوارش گذشت، در خدمت پدر به دکن رفت. سلطان احمد شاه دکنی ارادت کاملی ظاهر نموده نوه خود را که صبیّه شاهزاده علاء الدین بود به حباله نکاح وی درآورد. جنابش در دکن رحل اقامت افکنده ساکن آن دیار گردید و در سنه هشتصد و شصت پدر بزرگوارش خرقة تهی کرد و جانشینی و خلافت خود و احیای سلسله علیه را به وی واگذار فرمود.

وی پس از پدر عهده دار امور طریقت شده، خانقاهی در قرب احمد آباد بیدر بنا کرده جنابش با آنکه داماد شاه و سلطان وقت بود، از آثار تقرّب بارگاه سلطنت هیچ گاه چیزی و اثری با وی نبود. کوشش جنابش در ترویج شریعت و تقویم طریقت بی‌نهایت بود. سلسله نعمت اللهی در زمان تمکّن وی بر مسند ارشاد رونقی جدید و بهائی تازه یافت. وضع رفتار و حسن سلوک و وقار هیبتش طوری بود که سلطان همایون بهمنی را که در ظلم و بیداد معروف و به بی‌باکی و جسارت موصوف بود، مجال تعدّی و بی‌ادبی و آزار آن جناب نبود. حضرت شاه حبیب الدین محبّ الله در میدان غزوه و جهاد نیز چون در کنج خلوت و ریاضت و صحنه ارشاد شجاع و دلیر و پیروز می‌بود و در جهاد اصغر نیز چون جهاد اکبر همیشه غالب و فاتح بود. در نبردهائی که بعنوان غزوه با کفار آن سامان روی می‌داد، بسی دلاوری و مردانگی از خود نشان می‌داد. هنگامی که نظام شاه بهمنی با راجه‌های چنگیز و اورسیه (اوریا) مشغول محاربه بود، حضرتش که به قصد جهاد با وی همراه بود با یکصد و شصت سوار مسلح از لشکر جدا شده بر مقدّم کافران که ده هزار پیاده و چهل هزار سواره بودند تاخت و از صبحگاه تا نیمه روز مشغول نبرد بود تا شاهد پیروزی را در آغوش گرفت. در زمان جلوس محمد شاه بهمنی بر اریکه سلطنت، شاه محبّ الله و شاه حبیب الله که افضل مشایخ وقت بودند فاتحه خیر خوانده، تاج بهمنی را بر سر محمود شاه بهمنی گذاردند. بالاخره حضرت محبّ الله در زمان سلطنت شاه محمود در سال نهصد و چهارده در دکن رحلت فرموده، در آرمگاه پدر

بزرگوارش مدفون گردید. گویند وی در مدت زندگانی دارای هفتاد و سه فرزند شد که چهل و یک نفر در صغر سن از دنیا رفتند و هفده پسر و پانزده دختر به کمال رسیدند که یکی از اولاد امجدش جناب میر کمال الدین عطیة الله خلیفه و جانشین وی می‌باشد. مدت تمکّن وی بر مسند ارشاد پنجاه و چهار سال بوده است.

مشاهیر معاصرین آن جناب از علماء و فقهاء:

- ۱ - مولانا عبدالرحمن جامی؛
- ۲ - مولانا کمال الدین حسین بن علی الواعظ کاشفی هروی؛
- ۳ - قاضی کمال الدین حسین میبدی؛
- ۴ - جلال الدین محمد دوانی.

از عرفا و مشایخ طریقت:

- ۱ - سید جلال الدین معروف به شیخ چند آذر هندوستان؛
- ۲ - خواجه مؤید مهنه‌ای از احفاد سلطان ابوسعید؛
- ۳ - خواجه یوسف برهان از احفاد شیخ احمد جام؛
- ۴ - خواجه ناصرالدین عبدالله نقشبندی؛
- ۵ - شاه قاسم نوربخش؛
- ۶ - شاه طاهر دکنی؛
- ۷ - شیخ قطب الدین یحیی.

از سلاطین و امراء:

در هندوستان:

- ۱ - یوسف عادل شاه هندی؛
- ۲ - سلطان محمد شاه بهمنی.

در ایران:

- ۱ - سلطان ابوسعید سلطان محمدبن میرانشاه؛

۲ - میرزا بابر بن عمر شیخ بن سلطان ابوسعید؛

۳ - سلطان احمد بن سلطان ابوسعید.

شعرا و حکما:

۱ - میرزا ابوالقاسم میرفندرسکی؛

۲ - اہلی شاعر شیرازی؛ ۳ - بنائی شاعر؛

۴ - ہاتفی شاعر.